

تحلیل متون مدیریت اسلامی پیرامون انگیزش از منظر اسلام

دکتر ابوالفضل محمدی

حسین مزروعی

استادیار دانشگاه امام حسین(ع)

مربی دانشگاه امام حسین(ع)

چکیده

از منظر اسلام اگر انسان بر اساس فطرت الهی خود عمل کند می‌تواند از توانمندی‌های خود در جهت اهداف خلقتش که عبادت الهی است استفاده کند و خود وجودی‌اش را بشناسد و به منصه ظهور بگذارد. موتور محرکه انسان، انگیزش وی می‌باشد؛ انگیزش عامل حرکت معنی‌دار و هدف‌دار انسان می‌باشد. انگیزه انسان بر اساس حوره شناختی او شکل می‌گیرد. انسان می‌تواند با تبعیت از فطرت الهی‌اش به زندگی خود رنگ الهی دهد و با انگیزه‌های الهی، همه تلاش‌ها را به رضای خداوند منتهی کند، به انگیزه‌های الهی که عامل پایداری و بقاء عمل آنها می‌باشد وصل نماید از حبّ به ذات خود مانند حبّ بقاء، حبّ کمال و... در جهت انگیزه‌های الهی خود و برای جلب رضایت خداوند که منجر به جهان آخرت می‌شود بهره‌بردار. در واقع انسان باید بتواند با آخرت‌گرایی خود از دنیای خود بهره‌کافی و هدف‌دار را بجوید و علاوه بر آن راه تکامل را برای عالم بقاء فراهم نماید. همه اینها در گرو خلیفه الهی شدن و خلیفه الهی عمل کردن است.

اگر انسان در حوزه شناختی خود، از فطرت الهی‌اش غفلت کند و حوزه دید خود را به ظواهر دنیایی محدود نماید و حبّ ذاتی‌اش را در آن سو به کار گیرد و تنها به طبیعت دنیایی‌اش بسنده کند، به طور قطع دچار خسران حقیقی شده و حداقل دفتر عمر خود را به تناسب با فلسفه خلقت رقم نزده‌است. پس شایسته است که انسان حقیقت وجودی خود را بشناسد و حرکتی را آغاز کند که منتهی به خداوند و باعث جلب رضایت او شود. در این صورت، فضای زندگی انسان آمیخته با معنویت است و دنیا و آخرت او بیمه می‌شود.

در این مقاله با عنایت به نقش کلیدی انگیزش در رفتار کارکنان سازمان ضمن مراجعه به منابع و متون مدیریت اسلامی، انگیزش افراد در مجموعه سازمان از نگاه اسلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. ابتدا در قسمت اول با بررسی مطالب و تدوین موضوعات مربوط، یک شمای کلی از انگیزش طراحی می‌شود و سپس در قسمت دوم یک بحث نهایی پیرامون انگیزش در اسلام با استناد به آیات و روایات ارائه می‌گردد.

کلید واژه‌ها: انگیزش، فطرت الهی، انسان‌شناسی، نیاز

قسمت اول - تحلیل متون مدیریت اسلامی پیرامون انگیزش

در این قسمت با بررسی متون مدیریت اسلامی، ضمن شرح کلی منابع در مورد انگیزش، سرفصل‌های اصلی و فرعی، همراه با شماره صفحه و تعداد صفحات در غالب یک جدول ارائه می‌شود. این قسمت شامل اجزای زیر می‌باشد:

الف - مشخصات منابع: در این قسمت کتب و مقالات مورد استفاده معرفی می‌شود.

ب - فهرست سرفصل‌ها: در این قسمت ابتدا موضوع انگیزش، به دو محور کلی «انسان‌شناسی» و «نیازها و انگیزش» تقسیم می‌شود و سپس ذیل هر یک از آنها سرفصل‌های آن بیان می‌شود.

ج - جدول تطبیقی سرفصل‌ها: در این قسمت، ارتباط بین قسمت‌های الف و ب، طی یک جدول مشخص می‌شود. در واقع معلوم می‌گردد که هر یک از سرفصل‌ها در کدام کتاب و در چند صفحه به نگارش در آمده است.

د - خلاصه مباحث مطرح شده به تفکیک کتب، همراه با نقد آن: در این قسمت، ابتدا خلاصه‌ای از مباحث انگیزش در هر کتاب، بیان و سپس آن متن نقد می‌گردد.

فهرست آنها در انتهای مقاله آمده است.
حال هر یک از اجزای مذکور را به طور مجزا شرح خواهیم داد:

الف - مشخصات منابع

ب - فهرست سرفصل‌ها

در بیست عنوان کتاب و مقاله‌ای که مشخصات آن معرفی می‌شود، موضوع انگیزش مجموعاً ۳۵۳ صفحه را به خود اختصاص داده است. ۲۷/۰ این مباحث (۹۴

صفحه) به مسئله انسان‌شناسی، ۰/۷۳ آن (۲۵۹ صفحه) به نیازها و انگیزش پرداخته‌اند. البته با فرض این که بعضی از صفحات به لحاظ اشتراک در چند موضوع، به صورت تکراری محاسبه شده است.

به طور کلی سر فصل‌های زیر در منابع مذکور که در دو محور کلی «انسان‌شناسی» و «نیازها و انگیزش» تفکیک شده، مورد بحث قرار گرفته است:

- ۱/ ب - ابعاد حیوانی و فرشتگی انسان (ابعاد مادی و معنوی)
- ۲/ ب - حب ذات (حب بقاء، حب کمال، لذت جویی)
- ۳/ ب - گرایش‌ها و انگیزه‌های مادی و معنوی (انگیزه‌های آخرت‌گرایی و دنیاگرایی)

۴/ ب - آثار آخرت‌گرایی و دنیاگرایی

۵/ ب - تعریف نیاز

۶/ ب - اهمیت و ضرورت نیازها

۷/ ب - تعریف انگیزش

۸/ ب - اهمیت و ضرورت انگیزه‌ها

۹/ ب - انواع نیازها

۱۰/ ب - انواع انگیزه‌ها

۱۱/ ب - اهداف ایجاد انگیزه

۱۲/ ب - نتایج ایجاد انگیزه

۱۳/ ب - عوامل و طرق ایجاد انگیزه

۱۴/ ب - شرایط و حدود ایجاد انگیزه (معیارها)

۱۵/ ب - فرایند انگیزش

۱۶/ ب - فعالیت‌ها (رفتارها)

- ۱۷/ ب - وظیفه رهبری در ایجاد انگیزه
 ۱۸/ ب - کاربرد انگیزه‌ها در مدیریت
 ۱۹/ ب - نظریه‌های انگیزش و نیاز
 ۲۰/ ب - دیدگاه علمای اسلامی پیرامون انگیزش
 ۲۱/ ب - الگوها و مصداق‌های علمی در خصوص انگیزش

ج - جدول تطبیقی سرفصل‌ها

به منظور فهم کلی از موضوعات انگیزشی تفکیک شده بر حسب منابع یاد شده، امکان سازی مراجعه آسان به منابع و آشنایی با کمیت (حجم صفحات اختصاص داده شده به هر موضوع) و کیفیت (نوع و ماهیت موضوع) مباحث انگیزش، جدول تطبیقی سرفصل‌ها تهیه شده است. در این جدول در ستون اول، دو محور کلی مباحث و در ستون دوم، سرفصل‌های ریز شده ذکر شده است و در ردیف اول، منابع با شرح شماره و سال انتشار معرفی شده است. در متن جدول هم میزان صفحات اختصاص داده شده به مباحث همراه با ذکر منابع بیان شده است. همچنین مشخص شده است که در باره هر موضوعی، در تمامی منابع مذکور، چند صفحه مطلب، و در هر کتاب، پیرامون مبحث انگیزش چند صفحه بحث، به میان آمده است.

جدول شماره ۱- جدول تطبیقی سرفصل‌ها

عنوان	منبع سرفصل	انجری (۱۳۶۶)	انصاری (۱۳۷۸)	اورمی (۱۳۷۱)	بیزرد (۱۳۸۲)	نوی خانمائی (۱۳۷۹)	جاسی (۱۳۸۰)
انسان شناسی	۱/ب- ابعاد حیوانی و فرشتگی انسان (ابعاد مادی و معنوی)			۸-۹	۱۷۵ ۱۷۶		
	۲/ب- حب ذات (حب بقاء، حب کمال، لذت جویی)						
	۳/ب- گرایش‌ها و انگیزه‌های مادی و معنوی (انگیزه‌های آخرت‌گرای و دنیا‌گرای)		۵۸ ۷۰		۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۲ ۱۷۳		
	۴/ب- آثار آخرت‌گرای و دنیا گرای)						
نیازها و انگیزش	۵/ب- تعریف نیاز			۵	۱۴۱		
	۶/ب- تعریف انگیزش			۹ و ۵	۱۷۰ ۱۷۱		
	۷/ب- انواع نیازها	۱۸۱-۱۸۴	۱۰۱		۱۱۷ ۸		۶۴-۶۶
	۸/ب- انواع انگیزه‌ها	۱۷۸-۱۸۰					
	۹/ب- اهمیت و ضرورت نیازها		۱۰۲-۱۰۳				۱۰۸-۱۱۰
	۱۰/ب- اهمیت و ضرورت انگیزه‌ها	۱۷۸-۱۷۹					۱۷۲ ۱۷۳
	۱۱/ب- اهداف ایجاد انگیزه						
	۱۲/ب- نتایج ایجاد انگیزه						
	۱۳/ب- عوامل و طرق ایجاد انگیزه						
	۱۴/ب- شرایط و حدود ایجاد انگیزه (معیارها)					۱۷۸ ۱۷۹	
	۱۵/ب- فرایند انگیزش			۹		۱۷۲ ۱۷۳	
	۱۶/ب- فعالیت‌ها (رفتارها)						
	۱۷/ب- وظیفه رهبری در ایجاد انگیزه						
	۱۸/ب- کاربرد انگیزه‌ها در مدیریت					۱۷۶ ۱۷۷	
	۱۹/ب- نظریه‌های انگیزش و نیازها			۵-۶		۱۷۸ ۱۷۹	
	۲۰/ب- دیدگاه علمای اسلامی پیرامون انگیزش						۶۶-۸۶
	۲۱/ب- الگوها و مصداق‌های علمی در خصوص انگیزش						
جمع صفحات مورد نظر از هر کتاب	۹	۳	۲۰	۱۷	۳۸	۳	۲۴

جدول تطبیقی سرفصل‌ها (ادامه)

عنوان	فصلنامه (۱۳۸۱)	فصلنامه (۱۳۸۲)	فصلنامه (۱۳۸۳)	فصلنامه (۱۳۸۴)	فصلنامه (۱۳۸۵)	فصلنامه (۱۳۸۶)	فصلنامه (۱۳۸۷)	فصلنامه (۱۳۸۸)	فصلنامه (۱۳۸۹)
انسان شناسی	۱۶۹-۱۷۲	۱۸۵-۱۸۶							
			۸۲-۸۵						
		۱۸۵-۱۸۶							
نیازها و انگیزش	۹۶-۹۸ ۱۲۵-۱۲۸								
	۱۲۶-۱۲۶								
					۹۶				
			۸۵-۸۹			۳۶	۱۷۲-۱۷۳		
			۸۹-۹۱				۱۷۳-۱۷۶		
			۷۷-۷۸	۱۸۶					
			۷۸-۷۹						
			۹۱-۹۲		۱۶-۱۰۰	۱۲۷ و ۱۲۶			
		۱۸۵-۱۸۶	۷۹-۸۱				۱۶۵-۱۶۶		
							۱۶۵-۱۶۶		
							۱۶۶-۱۶۷		
		۱۷۸-۱۸۵							
	۱۸۶-۱۹۲								
جمع صفحات مورد نظر از هر کتاب	۱۰	۲۰	۲۲	۱	۶	۴۰	۱۶		

جدول تطبیقی سرفصل‌ها (ادامه)

عنوان	شیخ سرفصل		گروه (۱۳۶۹)	سجایزی (۱۳۷۷)	ماجوزی (۱۳۶۳)	مکارم (۱۳۶۸)	نبوی (۱۳۷۲)	قی پورفرد (۱۳۶۶)	تعداد صفحه ردیف توضیح
	سرفصل	سرفصل							
انسان شناسی	۱/ب- ابعاد حیوانی و فرشتگی انسان (ابعاد مادی و معنوی)					۷۰	۱۹۵		۱۰
	۲/ب- حب ذات (حب بقا، حب کمال، لذت جویی)		۲۷-۳۸						۱۶
	۳/ب- گرایش‌ها و انگیزه‌های مادی و معنوی (انگیزه‌های آخرت‌گرایی و دنیاگرایی)					۷۰		۹۶-۱۰۰ ۱۰۶-۱۱۸	۶۰
	۴/ب- آثار آخرت‌گرایی و دنیاگرایی							۱۱۹-۱۲۲ ۱۰۰-۱۰۱	۸
نیازها و انگیزش	۵/ب- تعریف نیاز								۲
	۶/ب- تبیین انگیزش						۱۸۸		۶
	۷/ب- انواع نیازها			۲۲-۲۳					۳۱
	۸/ب- انواع انگیزه‌ها				۷۰-۷۳				۱۴
	۹/ب- اهمیت و ضرورت نیازها			۲۲-۲۵					۱۲
	۱۰/ب- اهمیت و ضرورت انگیزه‌ها								۹
	۱۱/ب- اهداف ایجاد انگیزه								۲۰
	۱۲/ب- نتایج ایجاد انگیزه								
	۱۳/ب- عوامل و طرق ایجاد انگیزه				۷۲-۷۵				۷۲
	۱۴/ب- شرایط و حدود ایجاد انگیزه (معیارها)							۱۹۸	۸
	۱۵/ب- فرایند انگیزش			۴۰-۴۴					۱۰
	۱۶/ب- فعالیت‌ها (رفتارها)								۲
	۱۷/ب- وظیفه رهبری در ایجاد انگیزه								۲
	۱۸/ب- کاربرد انگیزه‌ها در مدیریت								۲
	۱۹/ب- نظریه‌های انگیزش و نیازها			۵-۱۳					۲۵
	۲۰/ب- دیدگاه علمای اسلامی پیرامون انگیزش								۲۱
	۲۱/ب- الگوها و مصداق‌های علمی در خصوص انگیزش						۷۶-۸۰		۴۰
جمع صفحات مورد نظر از هر کتاب			۱۰	۱۷	۵	۱۴	۲۱	۵۷	۳۵۳

د - خلاصه مطالب مطرح شده به تفکیک منابع همراه با نقد آن

در این بخش خلاصه‌ای از مطالب انگیزشی هر کتاب به طور جداگانه، همراه با نقد آن‌ها بیان می‌شود:

اختوری (۱۳۶۹): این کتاب طی صفحات ۱۷۸-۱۸۸، چند مثال از انگیزش و تأثیرات رفتاری آن بیان می‌کند و علت غایی (هدف)، متمم فاعلیت فاعل است و به استاد احادیثی، قدر و ارزش انسانی هر کسی را، به قدر همت، هدف و انگیزه او می‌داند.

سپس با توجه به نظریه x و y ، انسان را در مدیریت دیرین و مدیریت نوین به بحث می‌گذارد. توجه مدیریت دیرین به نیازهای سطح پایین و عنایت مدیریت نوین به نیازهای سطح بالا را با انگیزه سودجویی از انسان برمی‌شمارد و اظهار می‌دارد که در مدیریت اسلامی، برای انسان شأن بالایی مدنظر گرفته شده است.

نقد: در این متن با اشاره‌ای که به انگیزش، و بررسی نیازها در مدیریت غربی شده است، جایگاه انسان را در مدیریت غربی و مدیریت اسلامی مورد بحث قرار داده است. در خصوص مقایسه جایگاه انسان در مدیریت غربی و در مدیریت اسلامی بحث مفیدی را بیان کرده است. در واقع نوع نگاه به انسان، زیرساخت مبحث مدیریت برانسان و توجه به نیازهای خاص او می‌باشد. بنابراین جهت‌گیری بحث مناسب می‌باشد.

افجه‌ای (۱۳۶۴): در این کتاب در صفحات ۱۰۳-۱۰۱، بین رفتار استبدادی مدیران و حاکمان با کارکنان خود در طول تاریخ بشری و توجه صرف به نیازهای مادی آنها و رفتار ماشینی با انسان‌ها (کار در مقابل پول)، و توجه اسلام به نیازهای معنوی افراد مقایسه صورت گرفته است.

استقرار امنیت در جامعه.

در صفحات ۱۴۰-۱۵۱، پیرامون آخرت گرایی و هدف گذاری بحث نموده است. ابتدا با استناد به قرآن، حیات آخرت را بر زندگی دنیا ترجیح داده است. هر علمی که در آن روح دنیا گرایی محض حاکم باشد، محکوم به فناست. بنابراین شایسته است که انسان مجموعه اعمال و رفتار خود را با توجه به افق روشنی که اصل آخرت گرایی فراسوی او می گستراند، هدفمند نماید و با چنین انگیزه والایی به تلاش مشغول شود.

سپس کارکردها و نتایج هدف گذاری را بر می شمارد و در آخر الگوهای رفتاری پیامبر اسلام (ص) و امام حسین (ع) و... را در خصوص هدف گذاری آخرت گرا را شرح می دهد.

نقد: آنچه در دو محور فوق در کتاب مذکور بیان شده است با استناد به آیات و روایات، به صورتی مناسب و مفید بیان شده است. در هر قسمت، نمونه های رفتاری را تحت عنوان الگو بیان نموده است که مفید به فایده است. همچنین مباحث مذکور را در قالب رویکردهای مدیریتی همراه با نظریه های مدیریتی، به گونه ای کاربردی تر بیان کرده است.

اورعی (۱۳۷۲): در این مقاله، با استناد به تئوری های مختلف، انواع نیازها را مورد بحث قرار داده است. سپس با استناد به قرآن، بیان داشته است که انسان همراه با عقل و شهوت آفریده شده است. کسی که عقلش بر شهوتش چیره شد بر فرشتگان برتری دارد و کسی که شهوتش بر عقلش غلبه یافت از حیوانات پست تر است، و رفتار انسان در هر لحظه تحت تأثیر همه نیازهایی است که در ابعاد فرشتگی و

شیطانی وجود او نهفته است.

ضمن این که نظریه انتظار «ویکتور اچ وروم» را در انگیزش از نگاه اسلام، دارای مصداق دانسته، با اشاره به حدیثی از امام علی (ع) انگیزه را مطابق با شهوت و اقبال (رغبت) فرض نموده است.

در پایان با استناد به آیات و روایات، انواع نیازها را مطابق با سلسله مراتب نیازهای مازلو مورد بحث و بررسی قرار داده است.

نقد: در مجموع نویسنده سعی کرده است بحثی از نظریه‌های انگیزشی را با محبت انگیزش و انواع نیازها از نگاه اسلام، با استناد به آیات و روایات مقایسه نماید و سرانجام وجود انواع نیازها را در انسان از دیدگاه اسلام به تأیید برساند. از این جهت که به ماهیت انواع نیازها از نگاه اسلام پرداخته و به مستندات اشاره نموده، کار مفیدی است به ویژه این که محبت نیازهای وجودی انسان را با توجه به ویژگی‌های فرشتگی و حیوانی مورد بحث قرار داده و در مقام مقایسه، نکات قابل توجهی را فراتر از محبت انگیزش و نیازها در متون علمی، از دیدگاه اسلام، به بحث گذاشته است. همچنین با اشاره به نظریه انتظار، فرآیند انگیزش از نظر اسلام را به صورت کوتاه مورد بحث قرار داده که لازم است وجوه کامل تری از این بحث تبیین شود.

پیروز (۱۳۸۴): در این کتاب طی صفحات ۱۷۰-۱۴۰، پس از بیان تعاریفی از انگیزش، ضمن ترسیم فرآیند انگیزش، به شرح نیاز و هدف می‌پردازد. سپس انگیزه را معادل نیت به حساب آورده و آن را در عملکرد افراد بسیار مؤثر دانسته است. ملاک ارزش‌گذاری عمل انسان را، نیت و انگیزه او دانسته است، نه صورت ظاهر عمل، انگیزه و نیت انسان از تمایلات متعالی یا تمایلات پست انسانی و غیر انسانی

سر چشمه می گیرند. انگیزه‌ها بسته به منشأ آنها، باعث ارزشی بودن یا ضد ارزشی بودن رفتار انسان می شود. انگیزه خشنودی خدا باعث ارزش یا بی عمل و انگیزه خود نمایی باعث ضد ارزش شدن عمل می شود.

در اسلام علاوه بر حُسن فاعلی در رفتار افراد (یعنی انگیزه و نیت فرد) هم توجه شود. «آمنوا» بر حُسن فاعلی دلالت دارد و «عملوا الصالحات» بر حُسن فعلی حکایت می کند.

انگیزه‌های غیر الهی و ناپاک، اگر چه به اعمال شایسته تعلق گیرد، ثمره و اجر آخرتی ندارد و چه بسا موجب کیفر اخروی نیز گردد. از سوی دیگر، انگیزه‌های شایسته و پاک، اگر چه به رفتار خاص خود منتهی نشود، به تنهایی موجب ثواب و پاداش خواهد بود.

اسلام، انسان را دو بعدی می داند: مادی و معنوی. برای انسان علاوه بر بعد جسمانی، روح خدایی قائل است. بر اساس ابعاد وجودی انسان، نیازها و گرایش‌های مادی و معنوی هر دو وجود دارد. در ضمن اراده و اختیار با پیروی از عقل و شرع، نقش تعیین کننده‌ای در فعالیت انسان دارد.

انسان در ارتباط با خداوند که غنی (بی نیاز) است، فقیر (نیازمند) به حساب آمده است. با توجه به نقش نیازها در ایجاد انگیزش، تئوری سلسه مراتب نیازها، فهرست نیازهای مادی، تئوری ERG آلدرفر و نظریه نیازهای سه گانه «مک کللند» شرح داده شده و سپس دلایل پیچیدگی ایجاد انگیزه با توجه به انواع نیازها بیان شده است.

انگیزه‌های قابل تصور برای انسان‌ها را در سه دسته تقسیم می کنند: انگیزه‌های مادی، تلفیقی، و معنوی و الهی. انگیزه‌های مادی دو قسم است: شیطانی و غیر شیطانی. انگیزه‌های معنوی نشأت گرفته از ایمان به مبدأ و معاد است. در انگیزه‌های

تلفیقی، انسان انگیزه مادی خود را به انگیزه الهی پیوند می‌زند. انواع انگیزه‌ها به نسبت سطح آن، بر عملکرد تأثیر متفاوتی می‌گذارد. انگیزه‌های الهی تأثیر بیشتری بر عملکرد دارد.

در پایان متغیرهای اثرگذار بر انگیزش را بیان می‌کند:

- ۱- باورهای دینی ۲- برخورد عادلانه ۳- تأمین مطلوب نیازهای معیشتی (مادی)
 - ۴- جذابیت اهداف ۵- توجه، تمجید و تشویق ۶- طراحی مناسب شغل
- نقد: این کتاب مبحث انگیزش را با استناد به آیات و روایات و بیان نمونه‌های تاریخی، و براساس چارچوب مباحث علمی انگیزش (فرآیند انگیزش، نیازها و عوامل انگیزش) توصیف می‌کند. البته ضمن اشاره به مباحث علمی انگیزش، موضوع انگیزش را از دیدگاه اسلام مورد بحث قرار می‌دهد و این طور نیست که صرفاً محدود به همان چارچوب مذکور بحث نماید، به طور مثال، انگیزه‌های الهی را فراتر از مباحث علمی اضافه نموده است. در مجموع نکات قابل توجهی را بیان نموده است.

در صفحه ۱۴۲ نیت را معادل انگیزه دانسته است که جای تأمل دارد و در صفحه ۱۵۳، انگیزه‌های مادی را - چه در ناحیه نیازهای فیزیولوژیک و چه روانی - بر خود محوری افراد استوار دانسته است و بنابراین نیازهای پنج گانه «مزلو» را تماماً از نوع نیازهای مادی دانسته است. در حالی که نیازهای مازاد هم در حوزه مادی است و هم در حوزه روانی. منتهی این نیازها، محدود به گرایش‌های نفسانی فرد شده است.

تقوی دامغانی (۱۳۷۹): این کتاب طی صفحات ۱۱۵-۱۰۸، در بحث «ارزشیابی

اعمال در اسلام»، برای سنجش اعمال افراد، ضوابطی را به شرح زیر بیان می‌کند:

انگیزه (نیت) عمل، صالح بودن عمل، حسن بودن عمل و تقوی.

انگیزه را معادل نیت فرض کرده است و به استناد آیات و روایات، روح عمل را نیت دانسته است و قبولی عمل در پیشگاه الهی با توجه به نیت عمل می‌باشد. نقد: این که انگیزه معادل نیت به حساب آمده است، جای تأمل دارد. این کتاب بحث انگیزش را در چارچوب عمل، آن هم محدود به نیت در حد سه صفحه بحث کرده است که بسیار محدود و کم می‌باشد.

جاسبی (۱۳۸۰): در این کتاب طی صفحات ۹۲-۶۱ ابتدا سلسله مراتب نیازهای «مزلو» و تعاریفی از انگیزه را شرح داده است. سپس به بررسی دیدگاه‌های دانشمندان اسلامی در دوران اولیه اسلام مانند ابن سینا، فارابی، سهروردی، ملا صدرا، ابن رشد، امام محمد غزالی، و دانشمندان معاصر اسلامی مانند شهید مطهری، محمد تقی جعفری، علامه طباطبایی، آیت الله مکارم شیرازی، فؤاد عبدالله عمر و امام خمینی (ره) در باروری انگیزش پرداخته است. در نظرات دانشمندان مذکور به این نکات اشاره شده بود:

اشتیاق به چیزی یا تنفر و اکراه چیزی، قوای شهوانی و غضبیه، انسان: عقلایی، نفسانی، و جسمانی، قوای مدرکه و محرکه، لذت علم و معرفت، فعالیت‌های التذادی و تدابیری و تکمیلی، صیانت ذات در ابعاد روانی و حیات طبیعی محض، روانی و شخصیتی، و تکاملی، انگیزه‌های ذاتی و برون ذاتی، خواست‌های نظری و فطری شامل خواست جسمی و روحی انگیزه‌های پنداری، مادی و معنوی، نفس و عقل، کمال مطلق (خداجویی).

نقد: در مجموع این کتاب با تلخیص از کتب دیگر، دیدگاه‌های دانشمندان را به اختصار و گزیده مطرح کرده است، این اجمال می‌تواند برای خواننده مفید و قابل استفاده باشد.

جعفری (۱۳۷۲): در این مقاله طی صفحات ۱۶۵-۱۷۶، ابتدا به فرایند و شرایط بروز انگیزش اشاره شده است. سپس برای رهبران فرض نموده است که در آگاهی بخشی افراد در خصوص هدف اصلی حیات انسان‌ها یعنی وصول به جاذبه کمال الهی همت گمارد. همچنین بر کرامت و شرافت ذات انسانی به عنوان یک مبنا در روابط انسانی تأکید نموده است و نیازهای انسان را بر اساس صیانت نفس به سه دسته تقسیم کرده است:

۱- صیانت ذات در بعد روانی و حیات طبیعی محض

۲- صیانت ذات در بعد روانی و شخصیتی

۳- صیانت ذات در بعد تکامل شخصیت

در پایان انواع انگیزه‌ها به دو دسته کلی (برون ذاتی و درون ذاتی) تقسیم شده و انگیزه‌های درونی به هفت قسم بخش گردیده است:

۱- برتری خود بر دیگران ۲- خود خواهی و خودنمایی

۳- منفعت گرایی ۴- علاقه ذاتی به مدیریت

۵- انگیزه علاقه ذاتی به تخصص و تجربه ۶- احساس تکلیف ناشی از تعهد انسانی

۷- احساس تکلیف الهی

نقد: در مجموع این مقاله پس از اشاره به نکات کلیدی مانند کرامت انسانی که اساس بررسی انگیزه‌های انسانی انسان‌ها است، نیازها و انگیزه‌ها را در دسته‌بندی‌های مناسبی تقسیم کرده است.

خدمتی (۱۳۸۱): این کتاب در صفحات ۳۶ و ۳۷ با استناد به احادیثی بر توجه به تأمین نیازهای مالی کارکنان تأکید نموده و در صفحات ۳۷ و ۳۸، دلجویی از کارکنان و رسیدگی به آنان را برانگیزش افراد مؤثر دانسته است. در صفحه ۱۷۶،

ارزشیابی عملکرد کارکنان را بر تقویت انگیزه کاری کارکنان مؤثر دانسته است. نقد: این کتاب در مورد انگیزش، بحث مستقلی ندارد و تنها با ملاحظات نکات مذکور در حد محدود اشاراتی نموده است.

سومدی (۱۳۷۵): در این کتاب طی صفحات ۹۵-۱۰۶، پس از بیان تعاریف انگیزش، به شرح طرق مختلف در ایجاد انگیزش می‌پردازد. راه‌های ایجاد انگیزش عبارتند از:

- ۱- یکسان بودن همه در برابر مقررات
- ۲- قراردادن هر کس در جایگاه خودش
- ۳- بسط ارزش‌های اخلاقی
- ۴- شرکت افراد در فعالیت‌ها
- ۵- دادن مسئولیت به افراد
- ۶- کاهش هیجانات کاری

نقد: در این کتاب، بحث انگیزش در حد محدود بررسی شده است. البته نکات مفیدی برای مدیران به منظور ایجاد انگیزش در کارکنان وجود دارد. بعضی از مباحث را به آیات و روایات مستند کرده است ولی بعضی از مباحث را بدون استناد به آیات و روایات بیان نموده است.

سیدی (۱۳۸۰): در این کتاب، در خصوص انگیزش، بحث مستقلی ندارد، تنها در صفحه ۱۸۶، با عنوان حقوقشان را بیافزای، بر توجه به نیازهای مالی افراد توجه و تأکید شده است.

صباغیان (۱۳۸۱): در این مقاله، ابتدا به اهمیت و نقش انگیزش اشاره نموده است. سپس به اهداف ایجاد انگیزش پرداخته است. هدف از ایجاد انگیزش در غرب را،

افزایش تولید و سودجویی دانسته ولی در اسلام، علاوه بر توجه به نیازهای مادی، نیازهای روحی و معنوی نیز توجه شده است مانند: قرب الی الله، افزایش بهره‌وری، تداوم عمل با حفظ نشاط و شادابی، شکوفایی استعدادها، تقویت روحیه کاری.

شرایط و محدوده انگیزش را از نظر «کار، هدف و وسیله» مطرح نموده و نکاتی را در انگیزش افراد در جنبه‌های معنوی و... مورد ملاحظه قرار داده است.

منشأ انگیزش را نیازهای انسان دانسته و منشأ نیازهای انسان را حب ذات قلمداد کرده است. غریزه حب ذات را به سه زیر شاخه تقسیم کرده است:

۱- حفظ نفس ۲- کمال خواهی ۳- لذت طلبی

نیازها به دو دسته تقسیم شده است: نیازهای اولیه (نیازهای روحی، جسمی و اجتماعی) و نیازهای ثانویه.

انواع انگیزه‌ها را به نقل از آیت الله مکارم شیرازی به سه دسته تقسیم کرده است: پنداری، مادی و معنوی.

همچنین انواع انگیزه‌های مدیریت را به سه قسمت تقسیم نموده است: انگیزه‌های عوامل طبیعی (فیزیولوژیکی)، انگیزه‌های ایده آل و انگیزه‌های حیات معقول.

عوامل ایجاد انگیزه را در سه محور احصا کرده است: بالابردن سطح آگاهی مردم، شخصیت دادن به مردم، دادن آزادی انتخاب شغل به زیر دست.

نقد: در مجموع این مقاله مفید و مورد استفاده می‌باشد، اگر چه امکان بهبود بخشی در آن وجود دارد.

فؤاد (۱۳۷۲): صفحات ۱۷۷ تا ۱۸۵ این مقاله به بررسی نظریه‌های انگیزش معاصر اختصاص داده شده است. سپس بحث انگیزش در اسلام را با استناد به اصول ثواب، عقاب و محبت، پرداخت حقوق و مقرری مطابق با اصول معنوی، وجود ثواب و

عقاب در آخرت در کنار پرداخت مالی و مجازات دنیایی و... مورد توجه قرار داده است. در صفحات ۱۸۶ تا ۱۹۴ گزارشی از نظام انگیزشی یکی از سازمان‌های عمومی در یک کشور اسلامی را ارائه نموده است.

نقد: در این مقاله گزارش مذکور از نظام انگیزشی به عنوان یک تجربه می‌تواند مفید باشد، با توجه به این که نویسنده مدعی است این نظام انگیزش مبتنی بر شریعت اسلامی می‌باشد و به آیات و روایاتی استناد نموده است.

کاظمی (۱۳۸۱): در این کتاب به طور مشخص و مستقیم بحثی از انگیزش به میان نیاورده است ولی با مراجعه به چند قسمت از کتاب می‌توان الهاماتی در ارتباط با انگیزش دریافت نمود:

در صفحات ۹۶-۹۸ با عنوان اصل خدا محوری، بر جلب رضایت الهی توجه نموده است. این نکته یادآور وجود انگیزه‌های الهی می‌باشد.

در صفحات ۱۲۸-۱۲۵، با عنوان اصل آخرت گرایی، باز بر حصول رضایت خالق هستی توجه نموده است، که این نیز به نوعی بیانگر وجود انگیزه‌های الهی در رفتار مدیران می‌باشد. و سرانجام در صفحات ۱۴۶-۱۴۴ با عنوان اصل رضایت خداوند، به طور مشخص بر جایگاه جلب رضایت الهی تأکید کرده است.

نقد: در این کتاب گرچه با ملاحظه مباحث مذکور، می‌توان در خصوص انگیزه‌های الهی، الهاماتی را دریافت نمود ولی وجود یک بحث مستقل در مورد انگیزش که اهمیت رفتاری قابل توجهی دارد ضروری می‌باشد.

گروه نویسندگان (۱۳۶۹): در این سمینار علاوه بر سخنان دکتر علی رضاییان، پیرامون تئوری‌های انگیزشی «مزلو» و «هرزبرگ»، و مقایسه آنها با یکدیگر، آیت‌الله مصباح یزدی به بحث پیرامون مدیریت اسلامی و مبحث تئوری «مزلو» پرداخته

است. درباره‌ی تئوری سلسله مراتب نیازهای «مزلو» نکاتی را به این شرح بیان نموده است:

۱- تئوری «مزلو» از جهت استناد آن بر داده‌های حسی و توجه و تأکید درون‌نگری قابل تأیید است. البته تجربیات انجام شده در تأیید این نظریه، براساس متدولوژی علمی کافی نیست.

۲- «مزلو» معتقد است که انسان‌ها عموماً دارای یک سلسله فضائل مشترک هستند و این نقطه مثبتی است که ما قائل به فطرت انسانی هستیم.

۳- این امور فطری و نیازها بسیار می‌باشد.

۴- تعامل انگیزه‌ها در تقویت رفتار مؤثر است.

۵- گاهی اهداف طولی است، ارزش تمامی فعالیت‌ها و رفتارها براساس آن هدف اصلی است.

۶- سلسله مراتب نیازها تا یک حدی مورد قبول است و آن این است که انسان‌ها از دامن طبیعت متولد می‌شوند و رشد می‌یابند و لذا نیاز اولیه آنها هم مادی‌ترین نیازهاست. ولی این بدان معنی نیست که حتماً اول باید نیازهای فیزیولوژیک ارضاء شود و بعد نوبت به سایر نیازها برسد.

۷- در طرح نیازها از سوی «مزلو»، بعضی نیازها مطرح نشده و یا به صورت کلی آمده و دقیقاً تعریف نشده است. مثلاً نیاز خود شکوفایی خیلی کلی است و... .

۸- انسان می‌تواند به اختیار خود یکی از نیازهای خود را تقویت کند و همان در رفتار او تأثیر گذارد، بدون این که محیط روی وی مؤثر باشد. عنصری که باعث ترجیح یک انگیزه بر انگیزه دیگر می‌شود، ارزش‌ها می‌باشد.

۹- در مورد تقویت انگیزش، روش‌های مختلفی وجود دارد. همه آنها مورد قبول

اسلام نیست. از باب مثال روش‌های صوفیان مثل حبس نفس، از جهاتی مضر است. نقد: بحث آقای مصباح یزدی پیرامون تئوری «مزلو» و نیازها، دارای نکات قابل توجه و مورد استفاده‌ای می‌باشد. این موضوع به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی انجام شده است که فایده بحث را بیشتر کرده است. علی‌رغم نکات یاد شده، باز جای بحث و بررسی دارد.

مصباح یزدی (۱۳۷۷): انسان از حب ذات برخوردار است. حب ذات یا خود دوستی دارای انگیزه‌ها و گرایش‌های فطری و ذاتی به شرح زیر می‌باشد:

۱- حب بقاء: حب بقاء براساس باور انسان، محدود به زندگی دنیوی و حیات مادی است و یا دنیا را مقدمه آخرت می‌داند و برای نیل به آخرت تلاش می‌کند.

۲- حب کمال: حب کمال در دو شاخه جلوه می‌کند:

۲/۱- قدرت طلبی مانند قدرت مادی، قدرت نفس، قدرت الهی و...

۲/۲- حقیقت جویی مانند تحقیق در علوم عقلی و نقلی و تجربی

۳- لذت جویی: مظاهر لذت جویی به شرح زیر است:

۳/۱- غرایز: غریزه تغذیه، جنسی، تشنگی و دفاع از خود

۳/۲- زیبایی دوستی: زیبایی جمادات، گیاهان، حیوان و انسان، زیبایی‌های

خیالی، عقلی و عرفانی

۳/۳- عواطف

۳/۴- احساس‌ها و انفعال‌ها مانند حزن، شادی، خوف و رجاء

سپس به چند نکته مهم درباره انگیزش اشاره می‌کند:

۱- گاهی چند انگیزه با یکدیگر تلفیق می‌شوند و رفتاری را در انسان به وجود

می‌آورند. مانند غریزه جنسی که با زیبایی طلبی انسان همراه است.

۲- انگیزه انجام یک کار در ارزش دادن به آن کار نقش چشمگیری دارد. به طور مثال اگر عبادت و انگیزه کسب جاه، مقام و محبوبیت نزد مردم باشد، ارزش و اثر اخلاقی خود را از دست می دهد.

۳- نفس وجود انگیزه خاصی در کمون نفس انسانی، معیار ارزش اخلاقی نیست. انگیزه‌ها در وجود انسان به صورت فطری و جبری وجود دارد. متعلق ارزش اخلاقی تنها فعل اختیاری انسان است. تقویت یا تضعیف انگیزه‌ها، جهت دهی به آنها، عمل کردن به مقتضای آنها، تعدیل آنها و پرهیز از افراط و تفریط در آنها، همه در قلمرو اختیار انسان است.

۴- انسان نمی تواند در این حیات مادی، به همه خواست‌های خود دست یابد و ناگزیر است برخی از آن را ترجیح دهد و انتخاب نماید. در این انتخاب، دو عامل مؤثر است:

الف - شناخت هدف ارزنده و اقتضا‌های آن، و کمیت و کیفیت لازم و مفید در انگیزه‌ها جهت دستیابی به گزینش آگاهانه.

ب - وجود ارزش‌های اخلاقی، چون رعایت حدود کمی و کیفی در ارضای انگیزه‌ها در اختیار انسان است.

۵- گاهی از انسان رفتاری سر می زند که ناشی از عوامل و انگیزه‌های پنهانی و ناشناخته است.

نقد: در این کتاب، ابتدا از انواع انگیزه‌ها و گرایش‌ها که مبدأ رفتاری انسان‌هاست، دسته‌بندی مناسب و مفیدی صورت گرفته است. این انگیزه‌ها در شقوق و جلوه‌های مختلف که در برگیرنده ابعاد مادی و معنوی انسان می باشد بیان شده است. سپس نکات قابل توجهی را در خصوص نقش کم و کیف انگیزه‌ها در رفتار و

نیز نقش اختیار انسان در ارزش اخلاقی رفتار شرح داده است. آن دسته‌بندی و این نکات، می‌توانند پایه و اساس تحلیل رفتار افراد قرار گیرد.

ماحوزی (۱۳۶۳): نیازها را به دو دسته کلی تقسیم نموده و در تأیید آن، چهار بیت شعر از مثنوی مولوی بیان کرده است:

الف - نیازهای مادی مانند فیزیولوژیکی و ایمنی و امنیت خاطر.

ب - نیازهای معنوی و روحانی شامل نیازهای تعلق و همبستگی، احترام، برتری جویی و میل به تعالی، و ایثار و فداکاری.

سپس ضمن شرح مختصر نیازهای مادی و معنوی، جوامع غربی را از حیث نیازها به صورت کوتاه نقد کرده است و بر خلأ وجود معنویت در کشورهای صنعتی غرب صحه گذاشته است. و در آخر در خصوص نیازهای کنونی جامعه ایران به اختصار توضیح داده است.

نقد: این کتاب مبحث نیازها را به اختصار یادآوری کرده است. البته قصد نویسنده شرح تفصیلی آن نبوده است. بدون استناد به منابع و مستندات اسلامی، موضوع نیازها را گذرا مطرح نموده و بر نیازهای معنوی تأکید کرده است.

مکارم شیروازی (۱۳۶۸): در صفحات ۷۰ تا ۸۰ این کتاب پس از شرح اهمیت انگیزش، برای این عنصر، خاستگاه فرهنگی قائل شده است. میان انسان و حیوان، و نیز میان انسان مؤمن و غیر مسلمان، از نظر انگیزش تفاوت قائل شده است. انواع انگیزه را به سه دسته تقسیم نموده است: پنداری، مادی و معنوی. می‌توان در کنار انگیزه‌های پنداری (غیر واقعی)، انگیزه‌های واقعی را نام برد مانند انگیزه‌های مادی و معنوی. انگیزه‌های معنوی نسبت به انگیزه‌های مادی در تحریک انسان از قدرت بیشتری برخوردار است. انگیزه‌های معنوی را با استناد به آیات قرآن فقط انگیزه‌های

الهی می‌داند (معامله با خداوند) این معامله فی سبیل الله می‌باشد و نتایج آن در دو بعد نمود پیدا می‌کند:

۱- حصول عند ربهم یرزقون و رضوان من الله اکبر که کاملاً رنگ الهی دارد و فرد تنها خدا را دیده است و خود را به فراموشی سپرده است.

۲- حصول بهشت و نعم آن، و بخشش گناهان و رهایی از عذاب دردناک که در این موارد فرد، مصالح شخصی خود را ملاحظه کرده است و می‌توان برای این موارد رنگ مادی قائل شد.

سپس به طرق ایجاد انگیزه با استعداد از فرهنگ غنی اسلام اشاره کرده و در چگونگی ایجاد انگیزه، ابتکار مدیران و فرماندهان را مؤثر دانسته است و در این راستا، به بیان نمونه‌های ایجاد انگیزه در تاریخ اسلام پرداخته است.

در صفحات ۱۳۵ تا ۱۴۰، به بررسی دو عامل تشویق و تنبیه پرداخته و با استناد به آیات قرآن بشارت به نعم مادی و معنوی بهشت و مجازات روحانی و جسمانی دوزخیان را معادل عناصر تشویق و تنبیه قرار داده است. سپس اهمیت و آثار تشویق و تنبیه، و ویژگی‌ها و نحوه اعمال هر یک از آن دو را بیان کرده است.

نقد: در مجموعه کتاب مذکور به نسبت خود با نگاه به آیات و روایات و ذکر مصادیق، چارچوب خوبی را برای مطالعات بعدی انگیزش، از نظر انواع انگیزه، طرق ایجاد انگیزه، تشویق و تنبیه به عنوان عوامل انگیزشی و بازدارندگی، و... ارائه داده است.

نبوی (۱۳۷۲): در این کتاب طی صفحات ۲۰۴-۱۸۷ ابتدا به مباحث علمی پیرامون انگیزش، نیازها و فعالیت‌ها می‌پردازد. سپس بحث انگیزش در اسلام را با مطالعه ابعاد وجودی و تمایلات انسان آغاز کرده است. از نظر اسلام، انسان بر سر

دو راهی زیر مختار است:

۱- راهی به سوی پاکی‌ها و هدایت و خیر (تقویت‌ها)

۲- راهی به سوی گناه و تباهی و شر (فجور)

بر اساس جهت گیری الهی یا شیطانی انسان، نیازهای مادی او جهت می‌یابد که آیا فعالیت انسان به قصد جلب رضایت خداوند است یا بر اساس وسوسه‌های ابلیس. در نهاد همه انسان‌ها، جاذبه‌های معنوی مانند علم و دانایی، خیر اخلاقی، جمال و زیبایی، تقدیس و پرستش وجود دارد و باعث ایجاد انگیزه در آنها می‌شود.

ضمن توجه به نیازهای مادی، آن را لازمه مسائل معنوی دانسته مانند تلاش برای تأمین نیازهای خانواده، که همچون جهاد در راه خداوند قلمداد شده است.

افرادی که راه صلح را برگزیده‌اند، تحت تأثیر اوامر خداوند، دارای بهترین انگیزه‌ها می‌باشند. اینها دارای مراتب متفاوتی هستند:

۱- عمل به دستورهای خدا برای ترس از عذاب

۲- عمل به دستورهای خدا برای رسیدن به بهشت

۳- پرستش خداوند صرفاً به خاطر این که او لایق پرستش است. از این رو

نیازمندی‌های مادی خود را برای جلب رضایت الهی نادیده می‌گیرند.

نقد: در مجموع برای بررسی انگیزش در اسلام، پس از جهت گیری راه هدایت و ضلالت مبنای خوبی را پایه‌گذاری می‌کند، یعنی همان نیازهای مادی و جاذبه‌های معنوی. ارتباط بین نیازهای مادی و معنوی را از نگاه افرادی که اهل هدایت و ضلالت، هستند مورد بررسی قرار می‌دهد. علی‌رغم وجود مباحث زیر بنایی و مفید، انتظار تکمیل آن وجود دارد.

نقی پور فرد (۱۳۷۶): در بخشی از این کتاب تحت عنوان آخرت گرایی، با استناد به آیات و روایات و شرح مصادیق قرآنی، استفاده از امکانات دنیوی را با دو رویکرد آخرت طلبی و دنیا طلبی مورد توجه قرار داده است.

امکانات دنیوی فی نفسه مذموم نیست و در حد ضرورت باید استفاده کرد ولی نباید وسیله‌ای برای دنیا طلبی و برای اشباع هواهای نفسانی باشد، بلکه باید وسیله‌ای برای آخرت جویی باشد. به واسطه انفاق و احسان به دیگران. یعنی در استفاده از امکانات، باید انگیزه و قصد الهی داشت، نه توجه به خود و حفظ ظواهر مادی. استفاده از امکانات مادی با رویکرد دنیا طلبی، باعث دوری انسان از ارزش‌های معنوی و صراط مستقیم و قرار گرفتن در فساد و تباهی و اضمحلال انسان می‌شود. ولی با رویکرد آخرت طلبی، انسان به حیات خود رنگ الهی می‌دهد و با تکیه بر ارزش‌های متعالی، امکان اصلاح جامعه و غلبه بر خواسته‌های انحرافی نفسانیات و باروری استعدادهای انسانی خود می‌گردد و حیات حقیقی خود را در دنیا و آخرت تضمین می‌کند. سرانجام ضمن تشریح عملکرد آخرت طلبی و دنیا طلبان در مواجهه با امکانات مادی، آثار سوء عدم آخرت گرایی را چنین برمی‌شمارد:

۱- توجیه‌گری

۲- تنفر از حق

۳ و ۴- استکبار و انکار حق

۵ و ۶- خروج از راه خدا و سقوط

۷- سلطه شیطان و تبعیت از او

۸- آلودگی تمام عیار

۹- عذاب و گمراهی و گرفتاری شدید

نقد: این کتاب، مبحث آخرت گرایی و دنیا گرایی را با استناد به آیات و روایات به طور مشروح بیان نموده است. از این بحث در خصوص انگیزه‌های الهی و معنوی می‌توان بهره برد. مجموعه بحث آخرت گرایی همراه با الگوهای عملی بیان شده

است. در واقع یک شرح تاریخی و تفسیری از آخرت گرایی ارائه شده است که قابل استفاده می‌باشد.

قسمت دوم - تحلیل موضوعی انگیزش

در این قسمت، موضوع انگیزش با استفاده از متون مدیریت اسلامی که فهرست شد و با استفاده از آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد و حاصل بحث به صورت مدل شماره (۱) ترسیم می‌شود.

ابعاد وجودی انسان

لازمه بررسی انگیزش در حوزه انسان، شناخت ابعاد وجودی او می‌باشد. «برای ایجاد انگیزه در کارکنان به منظور نیل به اهداف، تا شناخت درستی از انسان، ابعاد وجودی او، نیازها و گرایش‌های او در میان نباشد، انگیزش به طور صحیح و کامل صورت نخواهد پذیرفت. اگر دیدگاه حاکم بر نظریات انگیزش، مادی باشد، به طور طبیعی تنها به انگیزه‌ها و نیازهای مادی کارکنان نگریده می‌شود و نیازهای معنوی و انگیزه‌های الهی مورد غفلت قرار می‌گیرند؛ ولی چنانچه دیدگاه حاکم بر تئوری پردازان انگیزش، الهی باشد، در این صورت برای ایجاد انگیزه، از انگیزه‌های مادی و معنوی، هر دو استفاده می‌شود (پیروز، خدمتی، شفیعی و بهشتی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

می‌توان با استفاده از عناصر عقل و شهوت، ماهیت انسان را مورد شناخت قرار داد. در این زمینه «مرتضی مطهری در کتاب انسان کامل در صفحه ۳۹ چنین گفته‌اند: در حدیث آمده است: «ان الله خلق الملائکه و رکب فیهم العقل و خلق البهائم و رکب فیها الشهوه و خلق بنی آدم و رکب فیهم العقل و الشهوه فمن غلب عقله علی

شهوته فهو اعلى من الملائكة و من غلب شهوته على عقله فهو ادنى من البهائم» خداوند بزرگ فرشتگان را آفرید و بر آنها عقل را چیره گردانید و حیوانات را آفرید و بر آنها شهوت را چیره گردانید، بنی آدم را آفرید و بر او عقل و شهوت را چیره گردانید. کسی که عقلش بر شهوتش چیره شد بر فرشتگان برتری دارد و کسی که شهوتش بر عقلش غلبه یافت از حیوانات پست تر است.» (اورعی یزدانی، ۱۳۷۲: ۸).

همچنین «سید ابوالقاسم حسینی دو نوع گرایش را در انسان به نام فطرت و شهوت نام می برد که بین آنها همواره جنگ و مقابله وجود دارد و تا پایان عمر فرد ادامه می یابد. شهوت همواره به سوی سقوط سیر می کند. ایشان شهوت را معادل نفس اماره در قرآن مجید می داند و معتقد است شهوت انگیزه ذاتی رفتار انسان و حیوان است و این انگیزه پیوسته در معرض محرک های شهوانی است که می خواهد بر جریان فطرت و عقل و کل شخصیت فرد احاطه پیدا کند. او به تعبیر شهید مطهری می گوید: شهوت مانند غرایز در محدوده امور مادی هستند، اما امور فطری، انسانی و ماورای حیوانی می باشند و در واقع فطرت، نفس مطمئنه است. او در نهایت می گوید: برای انسان موحد تنها یک محرک و انگیزه برای رفتار او وجود دارد و آن احساس مسئولیت در مقابل خداوند و انجام تکلیف فقط برای رضایت او می باشد و هر عملی که جز با این هدف انجام شود، مردود و فرد با انجام آن دچار خسران می شود.» (جاسبی، ۱۳۷۸: ۸۶ و ۸۵)

انسان حسب وجود دو بعد عقلانی و شهوانی در نهاد خود، می تواند با تبعیت از هر کدام، امکان راه یابی به تقوی و پاکی یا گناه و تباهی را فراهم کند.

«از نظر اسلام، انسان تنها موجود جهان آفرینش است که در برابر او دو راه قرار داده شده است؛ راهی به سوی پاکی ها و هدایت، و راه دیگری به سوی گناه و تباهی

، و خداوند به او توان انتخاب یکی از این دو راه را بخشیده است «فالمهما فجورها و تقویها: سپس فجور و تقوی - شر و خیر - را به او الهام کرده است... اگر کسی در مسیر صحیح قرار گرفت و راه رشد پیشه کرد، هر حرکتی که برای رضای خدا انجام دهد، اجر و پاداش دارد. اما اگر در مسیر باطل قرار گرفت، به جایی می‌رسد که از مرتبه والای انسانی سقوط می‌کند و از حیوانات پست‌تر می‌شود. «اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون»: آنان همچون چهار پایانند؛ بلکه گمراه‌تر، اینها همان غافلانند. (نبوی، ۱۳۷۲: ۱۹۵)

علاوه بر دو بُعدی بودن انسان از نظر عقلانی و شهواتی، دارای دو بُعد مادی و معنوی است. همان‌طور که حسب عقلانی بودن یا شهوانی بودن، گرایش‌های انسان متفاوت است، ابعاد مادی و معنوی نیز اقتضائات خاص خود را دارد.

«در زمینه ماهیت انسان دو نظریه کاملاً متفاوت وجود دارد: یکی این که انسان فقط مادی است، و دیگر این که علاوه بر بخش مادی، بُعدی غیر مادی هم دارد.

کسانی که هستی را با ماده مساوی می‌پندارند، یا دست کم، انسان را پدیده‌ای کاملاً مادی تلقی می‌کنند، جزء دسته اول قرار دارند. این دسته همه قوانینی را که بر وجود انسان حاکم است، شعبه‌هایی از قوانین مادی می‌دانند و تمامی قوانین - اعم از مکانیکی، زیستی یا روانی شناختی و... را بر اساس نگرش مادی تحلیل می‌کنند. برخلاف این دسته، گروه دوم علاوه بر بُعد مادی انسان، به جنبه غیر مادی او نیز اعتقاد دارند و برای انسان، علاوه بر جسم او، روح خدایی نیز قائل هستند.

بر اساس آموزه‌های اسلام - مثل همه ادیان الهی - انسان، تنها پدیده‌ای مادی نیست، بلکه دارای روحی است که خواص غیر مادی دارد و این روح، با مرگ بدن نابود نمی‌شود. در واقع، انسان موجودی دو بُعدی است و آن بُعد که در انسان اصل

است و اصالت دارد، همان روح است که قوام انسانیت انسان بسته به آن است و بدن تنها ابزاری برای تکامل روح است.» (پیروز، خدمتی، شفیع‌ی و بهشتی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۶ و ۱۴۵)

آنچه که بیان آن به نتیجه‌گیری بحث کمک می‌کند این است که نوع رفتار انسان براساس ابعاد وجودی شان چگونه خواهد بود؟ در واقع تکیه بر هر یک از ابعاد و اصالت دادن به آن، رفتار و فعالیت‌های خاصی را اقتضاء می‌کند.

«از نظر شهید مطهری فعالیت‌های انسان دو گونه است که عبارتند از: التذادی و تدبیری.

فعالیت‌های التذادی، همان فعالیت‌های ساده‌ای هستند که انسان تحت غریزه طبیعت، عادت و فطرت انجام می‌دهد که برای رسیدن به یک لذت و یا فرار از رنج می‌باشد. بنابراین کسب لذت برانگیزاننده میل است و انگیزه این گونه فعالیت‌ها را با توجه به این که با طبیعت انسان مرتبط است، طبیعی (مادی) می‌گوییم.

فعالیت‌های تدبیری، فعالیت‌هایی می‌باشند که انگیزه و علت نیروی محرک آنها لذت نمی‌باشد بلکه مصلحت است که مصلحت، توسط عقل تعیین می‌گردد و مصلحت، برانگیزاننده اراده می‌باشد. انسان هر اندازه از ناحیه عقل و اراده تکامل یافته‌تر باشد، فعالیتش بیشتر، از التذادی به تدبیر سوق پیدا می‌کند.

فعالیت‌های تکمیلی (تدبیری التذادی) فعالیت‌هایی هستند که انسان از طریق تدبیر و تعقل با توجه به فطرت و نیازهای فطری انتخاب نموده و ضمن مصلحت بودن، موجبات لذت و رضایت وی فراهم می‌گردد که منشأ این فعالیت‌ها ایمان می‌باشد مانند فعالیت‌های دینی که از راه تعقل و تفکر به حقایق دین پی برده و با توجه به نیازهای فطری خود از آن، لذت توأم با رضایت برده و خود را در جهت کمال سوق

می‌دهد و در جهت خلیفه الله شدن پیش می‌رود و انگیزه‌های این بخش، روحی یا معنوی می‌باشد. (جاسبی، ۱۳۷۸: ۷۶ و ۷۵)

امیال و فطریات انسانی

سرانجام انسان می‌تواند با غلبه عقل بر شهوت، و مادیت بر معنویت، راه کمال انسانی خود را متناسب با اهداف آفرینش خود طی کند. هنگامی که انسان خود را از حیوانیت و مادیت صرف که شأن انسانی او را ساقط می‌کند، نجات دهد و به هدف اعلای حیات خود توجه نماید، دو عقربه عقل و روح او به سمت دیگری گرایش پیدا می‌کند. اگر انسان کرامت ذاتی خود را دریابد و متناسب با اقتضای آن عمل کند، بر تکامل انسانی خود افزوده است.

«با نظر به دریافت‌های ناب وجدان و عقل سلیم و منابع معتبر اسلامی، نوع انسانی دارای حیثیت و کرامت ذاتی است که استعداد ارزش او را اثبات می‌کند؛ یعنی انسان در میان حیوانات آن نوع است که از طرف خالق متعال مورد تکریم و تشریف قرار گرفته است و این کرامت و شرف در وجود انسان به ودیعت نهاده شده است... انسان می‌تواند این کرامت استعدادی و بالقوه را به وسیله تکاپو در راه کسب کرامت اختیاری به شرف و کرامت مطلوب که همان کمال اختیاری است بالا ببرد. آیه‌ای که در قرآن مجید کرامت ذاتی را برای نوع انسانی اثبات می‌نماید چنین است:

«و لقد کرّمنا بنی آدم و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تقضیلاً» (اسراء / ۷۰)
 ما به طور قطع اولاد آدم را تکریم نمودیم و آنان را در خشکی و دریا به فعالیت واداشتیم و از مواد پاکیزه زمین به آنان روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود، آنان را برتری دادیم.» (جعفری، ۱۳۷۲: ۱۶۹)

بنابراین آنچه که شأن حقیقی انسان را رقم می‌زند و او را به درجات عالی انسانی می‌رساند، درک کرامت ذاتی او و اصالت روحی می‌باشد، اگرچه توجه به بعد مادی انسان، به عنوان ابزار و در حد ضرورت، لازمه تداوم بقای انسان می‌باشد. براساس این نگاه، «اهتمام مدیریت به بعد معنوی آنان (افراد) نه تنها نباید کمتر از اهمیت بعد مادی آنان باشد؛ بلکه با توجه به هدف اعلای حیات همه انسان‌ها که قرار گرفتن در جاذبیت شعاع فروغ الهی است، بعد معنوی انسان‌ها با اهمیت بیشتری باید مورد اهتمام مدیریت قرار بگیرد.» (جعفری، ۱۳۷۲: ۱۷۰ و ۱۶۹)

پس از آشنایی با ابعاد کلی انسان، به بیان گرایش‌ها و امیال او که به صورت فطری در نهاد وی قرار داده شده است می‌پردازیم.

«انسان دارای امیال گوناگونی است، مانند میل به غذا، تمایل جنسی، غریزه قدرت طلبی، زیبایی خواهی، حس کنجکاوی، دانش طلبی و سرانجام فطرت خداجویی.

برخی از این امیال هم در انسان وجود دارد و هم در سایر حیوانات و برخی دیگر فقط به انسان اختصاص دارد.» (انصاری، دعایی و مرتضوی، ۱۳۷۸: ۵۸ و ۵۷)

اگرچه این امیال به منظور بهره‌گیری در جهت تکامل انسانی ضرورت دارد، ولی حسب جهت گیری انسان و در اصالت دادن به ابعاد وجودی خود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر انسان صرفاً بر بعد مادی و حیوانی خود تکیه کند، این امیال و گرایش‌های فطری تنها در راستای تقویت همان بُعد مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت، و اگر انسان بعد فرشتگی و روحی خود را اصالت دهد، این امیال در آن راستا مورد استفاده قرار خواهد گرفت. انسان حسب حوزه شناختی خاص خود از شأن انسانی و امیال وجودی‌اش، به یکی از ابعاد حیوانی یا فرشتگی خود اصالت

می دهد و امیال خود را در آن جهت مورد استفاده قرار می دهد.

امیال انسان، جلوه های مختلفی دارد و نیازهای گوناگونی را در انسان به وجود می آورد. تأمین نیازها منجر به ارضاء امیال می گردد. امیال و نیازهای حاصل شده از آن، باعث بروز انگیزه هایی در انسان می شود، یعنی یک انگیزه و میل جهت دار برای تأمین آن نیاز و پاسخ به آن گرایش کلی در انسان به وجود می آید. روابط میان ابعاد فرشتگی و حیوانی انسان، امیال و گرایش های او نیازهای مادی و معنوی، و انگیزه های الهی و نفسانی در نگاره صفحه ۲۴۱ ترسیم شده است که به شرح آن خواهیم پرداخت.

«شهید مرتضی مطهری می گوید: خواست های فطری یا غریزی انسان دو نوع جسمی و روحی است. مقصود از خواست جسمی تقاضایی است که صد درصد وابسته به جسم باشد مثل غریزه گرسنگی یا خوردن، غذا خواستن، میل به غذا به دنبال گرسنگی. این یک امر بسیار مادی و جسمانی است ولی غریزی است یعنی مربوط به ساختمان بدنی انسان و هر حیوانی است.» (جاسبی، ۱۳۷۸: ۷۴)

«شهید مطهری همچنان معتقدند که بین امور روحی و لذات ناشی از آنها با امر جسمی، اختلاف زیادی وجود دارد و در این مورد اظهار می دارد:

یک سلسله غرایز یا فطریات در ناحیه خواست ها و میل هاست که حتی روانشناسی هم اینها را امور روحی می نامد و لذات ناشی از اینها را لذت روحی می نامد مثل میل به فرزند داشتن که این میل غیر از غریزه جنسی است و مربوط به ارضای شهوت است... این لذت جسمانی نیست و به هیچ عضوی وابسته نمی باشد.» (جاسبی، ۱۳۷۸: ۷۴)

«شهید مطهری به برخی دیگر از نیازهای روحی انسان اشاره می کند که جملگی

با احساسات انسان در ارتباط مستقیم بوده و همان فرایند ارضای نیاز را طی می‌نمایند و این نیازها را به صورت زیر طبقه بندی می‌کنند:

۱- حقیقت جویی: گرایش به کشف واقعیت‌ها

۲- گرایش به خیر و فضیلت: مانند گرایش انسان به راستی، تقوی و پاکی

۳- گرایش به جمال و زیبایی

۴- گرایش به خلاقیت و ابداع

۵- عشق و پرستش» (جاسبی، ۱۳۷۸: ۷۵)

«میل به غذا موجب بقاء نفس و میل جنسی موجب بقاء نسل است. این گونه امیال برای بقاء جسم انسان در او نهاده شده‌اند، به گونه‌ای که اگر هر یک از آنها نباشد بشری بر روی زمین باقی نمی‌ماند. اما امیالی همچون دانش طلبی و خدا جویی برای بقاء جسم انسان نیست، زیرا با نبودن آنها انسان نابود نمی‌شود، بلکه برای رشد و تعالی انسان در او نهفته شده است.» (انصاری، دعایی و مرتضوی، ۱۳۷۸: ۵۸)

«با تحلیلی فلسفی از روان انسان در می‌یابیم که ریشه تمام فعالیت‌هایی که بشر برای تأمین نیازهای خویش انجام می‌دهد، چیزی جز حبّ ذات و علاقه به خویشتن نیست... لذا می‌بینیم در قرآن کریم راه‌های صحیح خدمت به خود و جلب منفعت و مصلحت برای آن بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال در آیات فراوانی خداوند برای تشویق و ترغیب مؤمنان به اعمال خیر مانند احسان و انفاق می‌فرماید: این کار به نفع شماست.

غریزه حبّ ذات، خود به سه غریزه فرعی تقسیم می‌شود و یا به عبارت بهتر نیازهایی که با انگیزه حبّ ذات در انسان بروز می‌کند، با هدف رسیدن به یکی از این امور سه‌گانه است: حفظ نفس، کمال خواهی و لذت طلبی.» (صباغیان، ۱۳۸۱:

۱- **حفظ نفس (حب بقاء):** «حب بقاء و میل به جاودانگی با تأثیر پذیری از عامل آگاهی به دو صورت کاملاً متمایز ظهور می‌کند. اگر انسان در بعد علم و معرفت به این باور برسد که حقیقت نفس چیزی جز حقیقت مادی بدن انسان نیست، و زندگی انسان در همین حیات دنیوی او خلاصه می‌گردد و هنگام مرگ، زمان نابودی اوست، در این صورت غریزه حب بقاء و شکل آرزوهای دراز زندگی دنیوی و علاقه شدید به برخورداری از عمر طولانی در این نشأه مادی ظهور می‌کند... اگر انسان به ساختی عمیق درباره خود و جهان دست یابد و بداند که زندگی دنیوی مرحله گذرایی از حیات انسان و مقدمه ورود به جهانی عظیم و جاودانه است، از علاقه‌اش به زندگی دنیوی کاسته و توجه‌اش بیشتر به آخرت معطوف می‌گردد و به کارهایی دست می‌زند که برای آن نشأه او سودمند است. روشن است که در این صورت نیز همان انگیزه حب بقاست که وی را به انجام عبادت‌ها، مجاهدت‌ها و ریاضت‌ها و امی دارد و سبب می‌شود در همه موارد معارض به دنیا پشت کند و به آخرت روی آورد.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۳۰ و ۲۹)

پس «حفظ نفس یکی از غرایزی است که خداوند در نهاد آدمی قرار داده که براساس آن، انسان به حفظ خویش و استمرار حیات علاقه دارد؛ لذا پیوسته می‌کوشد که چند روزی بیشتر زنده بماند و هرگز شمع حیاتش خاموش نگردد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌نماید... اما آن زندگی ارزشمند است که زمینه ساز حیات معنوی و رشد و نمو و تکامل روح و روان انسان باشد و او را به زندگی واقعی و متعالی اخروی برساند.» (صباغیان، ۱۳۸۱: ۸۳)

۲- **حب کمال:** انسان دوست دارد در جریان بقاء و گذران عمر، همواره کامل‌تر شود و مسیر حرکتش رو به تکامل باشد. این گرایش در دو شاخه تجلی می‌کند:

۲/۱- حقیقت جویی

۲/۲- قدرت طلبی (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۲۸)

«بدون تردید هر انسان عاقلی خواهان کمال خویش است و برای تحصیل کمال به تلاش می‌پردازد. کمالات انسان دو نوعند: کمالات فرعی و مقدماتی، و کمال اصلی و نهایی.

کمالات فرعی طبعاً برای تأمین کمال اصلی مورد نظر می‌باشند و به همین جهت باید تا آنجا به آنها پرداخته شود که متناسب با کمال اصلی بوده و با آن منافاتی نداشته باشد. از این روی رسیدن به کمال اصلی متوقف بر متعالی شدن کمالات مقدماتی و فرعی است.

... کمال اصلی انسان عبارت است از دارا شدن صفت یا صفاتی که انسانیت او اقتضا می‌کند. انسان به طور طبیعی دارای نیروهای جمادی، نباتی و حیوانی است که باید همه آنها به نفع تکامل انسانی او استخدام شوند. از این رو به همه آنها تا حدی نیاز است که برای رسیدن به کمالات انسانیش مؤثر باشد.» (انصاری، دعایی و مرتضوی، ۱۳۷۸: ۶۴-۶۲)

«این که برخی تنها در پی کسب قدرت‌های مادی و جسمانی هستند و برخی دیگر بر این قدرت‌ها ارج نمی‌نهند و تنها در جستجوی تحصیل قدرت روح هستند و برای تحصیل آن به ریاضت‌های شاق دست می‌زنند، به خاطر آن است که این گروه، قدرت دیگری را کشف کرده‌اند که بر قدرت‌های مادی نیز چیره می‌گردد. کسانی نیز هستند که حقیقت انسان و جهان را این گونه شناخته‌اند که همه چیز مسخر قدرت نامحدود و بی‌انتهای خدای متعال است و انسان هنگامی قدرت حقیقی را به دست آورده که او شعاعی از قدرت خدا گردد و قدرت خداوند در امر او

تجلی کند. چنین انسانی برای کسب قدرت، به عبادت و بندگی خدا می‌پردازد و راه اطاعت او را پیش می‌گیرد تا به او تقرب یابد، چرا که قدرت حقیقی را آن جا یافته است.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۳۳ و ۳۲)

«از دیدگاه معارف قرآن کمال واقعی انسان، قرب الی الله است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: ما شما را نیافریدیم مگر برای اینکه در سایه عبادت خدا به او نزدیک شوید (ذاریات / ۵۶)

... پس اصلی ترین و مهم ترین نیازهایی که انسان باید در زندگی روی آنها تکیه کند و به هر وسیله آنها را تأمین نماید، نیازهایی است که از غریزه کمال خواهی انسان سرچشمه می‌گیرد.» (صباغیان، ۱۳۸۱: ۸۴ و ۸۳)

۳- لذت طلبی: «یکی دیگر از عوامل درونی انسان که منشأ بروز نیازهایی خاص در اوست، غریزه لذت جویی است...» (صباغیان، ۱۳۸۱: ۸۴ و ۸۳)

«انسان در کنار بقا و کمال، لذت و سعادت را نیز دوست دارد و می‌خواهد همیشه شاد باشد و به خوشی زندگی خود را بگذارند.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۲۸)

آیات فراوانی در قرآن کریم هست که مضمون همه آنها این است که خداوند جهان را زیبا آفرید و زمین و آسمان را برای شما بیاراست تا مؤمن از مشاهده آنها لذت ببرد... این لذایذ جنبه مقدمه‌ای و ابزاری دارد....

انسانی که با بینش اسلامی در این مسیر گام می‌گذارد، به مقداری از مادیات استفاده می‌کند که نه تنها مزاحم ترقی و تکامل و لذایذ روحی و معنوی او نشود، بلکه مقدمه‌ای برای رسیدن به تمتعات متعالی روحی و اخروی. اسلام نیاز حقیقی را در ارضاء لذایذ روحی می‌داند.» (صباغیان، ۱۳۸۱: ۸۴-۸۲)

«میل به کامجویی، رفاه و سعادت، دارای جلوه‌ها و مظاهر گوناگونی است:

۱- غرایز: مقصود از غریزه در اینجا، تمایلات و ویژه‌های است که به بدن مربوط می‌شوند و هدف آنها تأمین نیازهای مادی و جسمانی انسان است. مهم‌ترین غرایز عبارت‌اند از: غریزه تغذیه و غریزه جنسی، غریزه تشنگی، غریزه دفاع از خود در برابر مهاجم

۲- زیبا دوستی

۳- عواطف

۴- احساس‌ها و انفعال‌ها» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۳۹-۳۶)

«از آنجا که انسان موجودی دارای جسم و روح است و مایه اصلی او را روح تشکیل می‌دهد و روح، امری الهی و ربانی است، از یک سلسله گرایش‌های معنوی برخوردار می‌باشد که خاص اوست و به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- فطرت خداجویی - یکی از گرایش‌های معنوی انسان توجه به خدا و پیوند به مبدأ قدرت نامحدود است. این تمایل در سرشت انسان نهفته شده و او باشعور مخفی خود، گرایش و میل به سرچشمه قدرت را در خود می‌یابد و میان خویش و کانون هستی (خدا) رابطه‌ای احساس می‌کند و به تقدیس خداوند می‌پردازد. این تقدیس گاهی به سرحد عشق می‌رسد و عارفانه به راز و نیاز می‌پردازد. آیات فراوانی در قرآن بر فطری بودن گرایش انسان به خدا دلالت دارد. از جمله در سوره ۳۶، آیات ۶۱ و ۶۰ می‌فرماید:

«الم اعهد الیکم یا بنی ادم ان لاتعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم.» (سوره یس / ۶۱ و ۶۰)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزند آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟ و این که مرا پرستید که راه مستقیم این است؟» (انصاری، دعایی و مرتضوی ۱۳۷۸: ۶۱)

۲- گرایش به ارزش‌های اخلاقی - «در سرشت انسان، کشش و تمایل به سوی ارزش‌های اخلاقی وجود دارد... از این گرایش ذاتی به عنوان شعور اخلاقی، وجدان و مانند آن نام برده‌اند که پیوسته آدمی را از ارتکاب زشتی‌ها بر حذر و به سوی ارزش‌ها هدایت می‌کند... یکی از آیات قرآن که دال بر این معنا است، سوره ۹۱، آیات ۷ تا ۹ می‌باشد:

«و نفس و ما سواها فالهما فجورها و تقواها قد افلح من زکها» (سوره الشمس/۹-۷) و قسم به جان آدمی و آن کسی که آن را (آفریده و) منظم ساخته. سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است، که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده.» (انصاری، دعایی و مرتضوی، ۱۳۷۸: ۶۲)

«با دقت در امیال فطری انسان می‌بینیم که همه این امیال مانند (میل به آگاهی، میل به کسب قدرت، میل به زیبایی) به بی‌نهایت گرایش دارند... شعاع امیال فطری انسان به سوی بی‌نهایت ادامه دارد و این امیال حد و مرزی نمی‌شناسد و به کامیابی‌های موقت و محدود قانع نمی‌شود.

این امیال سرانجام به هم می‌پیوندند و ارضاء نهایی در یک چیز خلاصه می‌شود که عبارت است از ارتباط با موجودی که دارای علم بی‌نهایت، قدرت بی‌نهایت و جمال و کمال بی‌نهایت باشد. در این مقام است که امیال فطری انسان ارضاء و اشباع می‌گردد.» (انصاری، دعایی و مرتضوی، ۱۳۷۸: ۶۴-۶۲)

نیازهای مادی و معنوی انسان

پس از شرح امیال و فطرت انسانی، به بیان نیازهای معنوی و مادی افراد می‌پردازیم. یادآوری می‌کنیم که امیال و گرایش‌های انسانی بر بروز نیازها مؤثرند و باعث ایجاد انگیزه‌های الهی یا نفسانی در وجود انسان می‌گردد.

بنا به نظر شهید مطهری، نیازهای بشر به دو دسته کلی نیازهای اولیه و نیازهای ثانویه تقسیم می‌شوند:

۱- نیازهای اولیه: نیازهایی است که از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر سر چشمه می‌گیرد. تا بشر پایدار است و در اجتماع به سر می‌برد، این نوع نیازها را دارد. علم، غذا، عدالت، آزادی و دین از نیازهای ثابت اولیه انسان است...
نیازهای اولیه خود به سه دسته تقسیم می‌شود: الف) نیازهای روحی ب) نیازهای جسمی ج) نیازهای اجتماعی

الف) نیازهای روحی و معنوی: نیازهایی که لازمه و اقتضای روح است و تأمین آنها موجب تکامل و رشد روان انسان می‌گردد، نیازهای روحی نامیده می‌شود مانند: تربیت، هنر، نیایش، اخلاق، تفکر، عبادت و تعلیم... مهم‌ترین این نیازها به شرح زیر است:

۱) ایمان: ایمان یعنی معرفت و شناخت خداوند و عبادت و ستایش او، از نیازهایی است که ریشه در جان و دل انسان دارد...

۲) تعلیم و تربیت

۳) هنر زیبایی

۴) محبت و عشق

۵) عبادت و نیایش

۶) گرایش به خوبی‌ها و پاکی‌ها

۷) نیاز به احترام

... در هر صورت نیازهای جسمی در دو سطح برای انسان مطرح است: یکی در حد ضرورت و دیگری در حد غیر ضرورت. لذت‌های معنوی در انسان پر جاذبه‌تر

است از جاذبه‌های مادی. انسان به هر اندازه آموزش و پرورش انسانی بیابد، نیازهای معنوی و لذت‌های معنوی او، نیازها و لذت‌ها و حیات مادیش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ب) نیازهای مادی

ج) نیازهای اجتماعی: نیازهایی هستند که فرد با ورود به جامعه با آن‌ها روبرو می‌شود که ممکن است اولیه باشند، مانند معاشرت، مبادله، عدالت و آزادی یا ثانویه، مانند قانون و حکومت که برای اجرای عدالت و کسب آزادی‌ها و رسیدن افراد به حقوق خویش ضرورت پیدا می‌کند.

۲. نیازهای ثانویه: «(صباغیان، ۱۳۸۱: ۸۵-۸۹)

علامه جعفری (۱۳۷۲) در خصوص انواع نیازها چنین می‌گویند:

نیاز اساسی انسان که همه آنها در جریان فعالیت «صیانت نفس» بروز می‌کنند، در سه بعد اساسی مطرح می‌گردند.

۱. صیانت ذات در بعد روانی و حیات طبیعی محض، مانند نیاز به غذا، مسکن، بهداشت، تولید مثل و دفاع از هر گونه عامل اخلال در امر حیات.

۲. صیانت ذات در بعد روانی و شخصیتی، نیازهای اساسی در این بعد عبارتند از: آرامش روانی، تنظیم ارتباط بین عوامل برون ذاتی و درون ذاتی، حفظ وحدت و هماهنگی عناصر تشکیل دهنده شخصیت و...

۳. صیانت ذات در بعد تکامل شخصیتی، انسان در این بعد دارای نیازهای بسیار با اهمیت است که مذهب الهی و اخلاقیون و مکاتب حقوقی و مقررات سازنده و پیشرو واقعی آنها را مطرح و شخصیت آدمی را به وسیله رفع آن نیازها در گذرگاه تکامل به ثمر می‌رساند.

استاد مصباح یزدی انگیزه‌ها را نشأت گرفته از سه دسته نیاز می‌داند:

دسته اول نیازهای فیزیولوژیکی و دسته دوم نیازهای معنوی و متعالی و دسته سوم نیازهایی است که تحت عنوان «انگیزه‌های انحراف از فطرت الهی» نامیده شده است. او گروه اول یعنی نیازهای فیزیولوژیکی را مثل نیاز به تغذیه، نیاز به همسر، و گروه دوم یعنی نیازهای معنوی را مثل نیاز به عواطف متقابل اجتماعی، نیاز به ابراز شخصیت و سایر غرایز و سرانجام نوعی نیاز نهفته و نا آگاهانه در اعماق روح انسان می‌داند که در برخی افراد خود به خود و در برخی دیگر با تلاش و کوشش به سر حد آگاهی می‌رسد. این نیاز، شریف‌ترین و با ارزش‌ترین عاملی است که در وجود انسان می‌باشد و او را به سوی عالی‌ترین کمال سوق می‌دهد. این انگیزه یا تمایل را اجمالاً تمایل عرفانی یا به تعبیر ساده حس مذهبی می‌نامیم. هدف انبیاء و رهبران دین فراهم کردن مقدمات وصول هرچه بیشتر به این تمایل و انگیزه بوده است.

در مورد دسته سوم از نیازها، که در مقابل دسته دوم قرار می‌گیرد، چنین می‌گوید: عوامل و انگیزه‌های انحراف از عرفان و فطرت الهی نیز وجود دارد که به اقسام متعددی تقسیم می‌شود. همه اینها در دو انگیزه خلاصه می‌شود: جاه طلبی و ثروت دوستی.

... میل به ثروت اندوزی میلی است که ممکن است تا آخر عمر با کمال قدرت در انسان باقی بماند... ولی کسانی نیز موفق می‌شوند که به مال و ثروت دنیا پشت پا بزنند و از قید و بند علاقه به مال و ثروت آزاد شوند. اما کمتر کسی است که موفق به آزادی از قید حب و جاه و مقام شود. (جاسبی، ۱۳۷۸: ۸۲ و ۸۱)

لازم به یادآوری است که «برای سیر به کمال و پیمودن راه‌های معنوی، تأمین نیازهای مادی لازم بوده و خود از مسایل معنوی به شمار می‌رود. در اسلام بر هر

شخص مؤمن، تأمین نیازمندی‌های خود، زن و فرزندش واجب بوده و به جهاد در راه خدا که از بهترین عبادات است، تشبیه گردیده است.» (نبوی، ۱۳۷۲: ۱۹۸)

«از دیدگاه امام علی (ع) کارکنان باید از حقوق مادی کافی برخوردار باشند؛ زیرا بهره‌مندی کارگزاران از درآمد مناسب، برای پیشگیری از فساد، و ایجاد زمینه‌های اصلاح امری ضروری است، امام علی (ع) در یکی از بندهای عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید «و اسغ علیهم الارزاق.» و بر آنان (کارگزاران حقوق) روزی را فراوان ساز.» (خدمتی، پیروز و شفیع، ۱۳۸۱: ۳۶)

پس در تفکر اسلامی به نیازهای فیزیولوژیک توجهی عمیق شده است قرآن کریم نیازهای فیزیولوژیک را به عنوان مسایل طبیعی حیات مطرح کرده است: «زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطر المقتطره من الذهب و الفضة.» دوستی شهوات نفسانی که عبارتند از میل به زنان و فرزندان و همیان‌های زر و سیم و... برای مردم زینت شده است. (سوره آل عمران / ۱۴)

«اما زهد اسلامی علی‌رغم طبیعی بودن نیازهای فیزیولوژیک‌شان انسان را فراتر از اسارت در مادیات می‌داند... ایثار به عنوان یکی از فلسفه‌های زهد اسلامی از پرشکوه‌ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است.» (اورعی یزدانی، ۱۳۷۲: ۹)

انگیزه‌های معنوی و مادی

بر اساس حب امیال و فطریات انسانی و بروز نیازهای مادی و معنوی، در انسان انگیزه‌هایی به وجود می‌آید و انسان بر اساس انگیزه، رفتاری را از خود بروز می‌دهد یکی از عباراتی که بیانگر معنی و اهمیت انگیزش می‌باشد، سخن امام علی (ع) می‌باشد، ایشان فرموده‌اند:

«ان للقلوب شهوه و اقبالا و ادباراً فاتوها من قبل شهوتها و اقبالها فان القلب اذا اكره عمى». در دل‌ها حالات رغبت و بی‌رغبتی وجود دارد، از راه رغبت‌های آن وارد شوید، چه هر گاه دل با اکراه روبرو شود کور می‌شود. (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۴)

این انگیزه‌ها در یک تقسیم‌بندی کلی، شامل انگیزه‌های الهی، انسانی و نفسانی می‌شود. در انگیزه‌های الهی، خدا محوری قرار دارد و فرد از سطح توجهات مادی به توجهات معنوی گرایش پیدا می‌کند، به عبارت دیگر از تحلیل دنیا و دنیا‌گرایی به آخرت‌گرایی نیل می‌نماید. در انگیزه‌های نفسانی، خود محوری و خودخواهی قرار دارد و فرد، تنها در سطح امیال نفسانی و دنیا‌گرایی و مادیت باقی می‌ماند. در انگیزه‌های انسانی فرد در پی توجه خواسته‌ها و حاجات انسان‌های دیگر است. حال ممکن است با توجه به انسان‌ها، مقدمه جلب رضایت الهی باشد یا تأمین خواسته‌های نفسانی خود، و یا این که صرفاً خواسته است حسب نوع دوستی، یک کار بشری انجام دهد.

«انگیزه‌های مادی معمولاً خواسته‌هایی را شامل می‌شود که با ارضای آنها نیاز فرد تأمین می‌شود. این انگیزه‌ها - چه در ناحیه نیازهای فیزیولوژیک و چه روانی - بر خود محوری افراد استوار است.

انگیزه‌های معنوی، انگیزه‌های نشأت گرفته از ایمان به مبدأ و معاد است که محور آنها را وجود مقدس پروردگار تشکیل می‌دهد. در این انگیزه‌ها نیاز فطری و گرایش‌های اصیل انسانی به معبود و محبوب حقیقی، قوی‌ترین عامل بروز و ظهور رفتارهای شایسته و پسندیده است. شدت و قوت این انگیزه‌ها به حدی است که می‌تواند نیازهای مادی را بی‌اثر کند و تحت الشعاع قرار دهد.

... بهترین نمونه این انسان‌ها، خاندان پیغمبر اکرم (ص) هستند که آیات زیر

درباره آنها نازل شده است:

«و يطعمون الطعام على حبه مسكينا و يتيما و اسيرا. انما نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم جزاء و لا شكورا.»

و غذای خود را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می دهند (و می گویند) ما شما را برای خدا طعام می کنیم و هیچ پاداش و تشکری از شما نمی خواهیم.

همان گونه که در آیه تصریح گردیده، آنان در عین این که علاقه و نیاز به طعام داشتند، انفاق کردند و دیگران را اطعام نمودند. (پیروزی، خدمتی، شفیعی و بهشتی نژاد ۱۳۸۴: ۱۵۵ و ۱۵۴) «انگیزه‌های معنوی، خود نیز دارای مراتب و درجاتی است که از کلام حضرت علی (ع) در تفکیک عبادت کنندگان استفاده می شود.

گروهی خدا را از روی تمایل و طمع (به بهشت) می پرستند، این عبادت تاجران است و گروهی او را از روی ترس (جهنم) می پرستند، این عبادت بردگان است و گروهی خدا را از سر شکر (نعمت‌ها و این که شایسته عبادت است) می پرستند، و این عبادت آگاهان است.

عبادت دو دسته اول - بردگان و تجار - در حقیقت از انگیزه محبت به خویش (خود دوستی) ناشی می شود و فرد به دلیل علاقه به خویشتن، نمی خواهد دچار عذاب الهی شود، یا آن که بهشت برین الهی را برای رفاه و آسایش خود طلب می کند. محور در این انگیزه‌ها، واقعاً فرد است، و شخص با انگیزه‌هایی از عذاب یا نیل به بهشت الهی عبادت می کند؛ اما عبادت احرار چنین نیست؛ آنها خدا را نه برای خویش که برای او که لایق عبودیت است مورد پرستش قرار می دهند. و این عالی ترین نوع انگیزه در میان انگیزه‌های معنوی است.» (پیروزی، خدمتی، شفیعی و

بهشتی نژاد، (۱۳۸۴: ۱۵۵)

پس مشخص گردید روح ایمان به مبدأ و معاد، زمینه‌ساز بروز انگیزه‌های الهی و جلب رضایت خداوند است و این راه کمال انسان را تضمین می‌کند.

«کمال حقیقی انسان که هدف اصلی او است، مقام قرب پروردگار می‌باشد و سایر کمالات او مقدمه و ابزار رسیدن به چنین مقامی هستند که باید به اندازه تأثیرشان در رسیدن به کمال حقیقی مورد بهره برداری قرار گیرند.» (انصاری، دعایی و مرتضوی، ۱۳۷۸: ۶۵) کمال انسان در گرو عبادت خداوند می‌باشد:

«و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (۵۶ / ۵۱)

من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند.

انسان کمال گرا محدود به مادیات و دنیای فانی نمی‌شود، بلکه می‌داند:

«حیات دنیا، حیات زندگی مستقلی نیست، بلکه حیات مقدمی است و حیات تکامل، حیات دومی است. قرآن مجید در مقایسه این دو می‌گوید:

«و ما الحیوه الدنیا فی الآخرة الامتاع» (۲۶ / ۱۳)

در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است.

زندگی آخرت، زندگی و حیاتی است که تمام خواسته‌های معقول بشر محقق می‌گردد... هر عملی که در آن روح دنیا گرایی محض حاکم باشد در همین دنیا به سر نوشت فنا محکوم می‌گردد... شایسته است که انسان مجموعه اعمال و رفتار خود را هدفمند نماید و با چنین انگیزه والایی به تلاش مشغول گردد. با توجه به افق روشنی که اصل آخرت گرایی فراسوی آدمی می‌گستراند، شوق به کوشش در انسان افزوده می‌گردد.» (انصاری، دعایی و مرتضوی، ۱۳۷۸: ۱۴۲-۱۴۰)

البته لازم به یادآوری است که «بهره گیری از انگیزه‌های معنوی به مفهوم نادیده گرفتن انگیزه‌های معقول مادی نیست، چرا که انسان از جسم و جان، ماده و معنی

ترکیب شده، هر چند رکن اصلی وجود او، روح و جان او است، ولی تقاضای مادی جسم را نیز نباید نادیده گرفت.

حتی پیامبر اسلام، با تمام تأکیدی که روی خلوص نیت شرکت کنندگان در میدان داشت و از هر گونه هدفی جز خدا و جهاد فی سبیل الله بر حذر می‌دانست، جنگ جویان را به حکم قوانین اسلام، مشمول تشویق مادی از طریق تقسیم بخشی از غنایم جنگی می‌نمود و از آن بالاتر، خداوند با تمام عظمتش در کنار پاداش‌های عظیم معنوی مانند «احیاء عند ربهم یرزقون» و «رضوان من الله اکبر»، پاداش‌های مادی «جنات تجری من تحتها الانهار» و مانند آن را مطرح کرده، تا از طریق این وعده‌های راستین، تمام نیروهای نهفته وجود انسان را بسیج کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ۷۵)

باید توجه داشت که ضمن توجه به آخرت، بهره‌گیری از دنیا در حد ضرورت، لازمه نیل به آخرت است:

«آخرت گرایی، نفی دنیا نیست، بلکه امکانات دنیوی را در راستای اهداف آخرت، قرار دادن است:

«و ابتغ فیما آتیک الله الدار الاخره و لاتنس نصیبک من الدنیا» (قصص / ۷۷)

و در آنچه که خدا به تو داده است، با میل و رغبت دار آخرت را به جور، و بهره‌ات را از دنیا فراموش نکن. (نقی پورفر، ۱۳۷۶: ۹۶)

رفتار و نتایج آن

حسب این که رفتار انسان ناشی از کدام انگیزه باشد، نتیجه و پاداش آن معلوم می‌گردد. کسانی که بر اساس نیت و انگیزه الهی، عملی را انجام دهند و یا موفق به انجام آن نشوند، در پیشگاه خداوند متعال مأجورند و از ثواب و پاداش اخروی به

صورت مداوم بهره‌مند خواهند شد و کسانی که بر اساس نیت و انگیزه‌های مادی و دنیایی و نفسانی، عملی را انجام دهند، تنها از پاداش دنیوی به صورت موقت بهره خواهند برد ولی کیفر اخروی نصیب آنها خواهد شد. عمل افراد دسته اول ارزشی محسوب می‌شود و عمل افراد دسته دوم، در صورتی که صالح نباشد، ضد ارزشی به حساب می‌آید.

«قرآن تصریح می‌کند، کسانی که هدف و انگیزه کارهایشان دنیا و مظاهر آن است، تنها به همان آثار دنیوی - مانند شهرت، تحسین مردم و پاداش‌های مادی - دست پیدا می‌کنند و عمل آنها در آخرت باطل و بیهوده خواهد بود:

من كان يريد الحياة الدنيا و زينتها نوف اليهم اعمالهم فيها و هم فيها لا يبخسون. اولئك الذين ليس لهم في الاخرة الا النار و حبط ما صنعوا فيها و بطل ما كانوا يعلمون. کسانی که طالب زندگی دنیا و زینت آن هستند، مزدشان را در دنیا به طور کامل می‌دهیم و هیچ از اجر عمل‌شان در دنیا نمی‌کاهیم؛ ایشان در آخرت بهره‌ای جز آتش دوزخ ندارند و هر آن چه در دنیا ساخته و پرداخته و انجام داده‌اند، ضایع و باطل است.

بنابراین انگیزه‌های غیر الهی و نا پاک، اگر چه به اعمال شایسته تعلق گیرد، ثمر و اجر آخرتی ندارد و چه بسا موجب کیفر اخروی می‌گردد. از سوی دیگر، انگیزه‌های شایسته و پاک اگر چه به رفتار خاص خود منتهی نشود، به تنهایی موجب ثواب و پاداش الهی خواهد بود. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید:

همانا بنده مؤمن و فقیر به خداوند عرضه می‌دارد: پروردگارا! به من روزی ده تا چنین و چنان از کارهای خیر انجام دهم؛ پس هنگامی که خداوند این درخواست را از روی نیت صادقانه (و انگیزه پاک) دید، برای او اجر و پاداش به مقداری می‌نویسد که اگر عمل می‌کرد، همان را می‌نوشت؛ همانا خداوند، گشایش دهنده کریم

است. (پیروزی، خدمتی، شفیع و بهشتی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۴)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

لازم است به عنوان نتیجه‌گیری و پیشنهادها، نکاتی ارائه شود:

۱. آنچه که در این مقاله بیان شد در دو بخش کلی تنظیم شده بود:

الف - تحلیل منابع مدیریت اسلامی پیرامون انگیزش: در این قسمت، طی چهار گام منابع معرفی شد، سر فصل‌های بحث بیان گردید، طی یک جدول شماره صفحه و تعداد صفحه هر سر فصل در کتب و مقالات مطالعه شده معلوم شد و در نهایت ضمن بیان خلاصه‌ای از مطالب هر منبع پیرامون انگیزش، آن کتاب در حوزه مبحث مذکور نقد گردید.

ب - تشریح انگیزش از منظر اسلام، با استفاده از منابع مطالعه شده و با استناد به آیات و روایات و نظر اندیشمندان اسلامی، مبحث انگیزش در قالب یک مدل طراحی شد. امید آن است که این مقاله بتواند سر آغاز مطالعه بعدی پیرامون انگیزش از دیدگاه اسلام قرار گیرد. به طور کلی در نگاه اسلامی، انگیزه‌های الهی و معنوی و اخروی بر اساس خوی فرشتگی و با استفاده از فطریات انسانی در جهت کمال، منجر به عمل صالح و حصول پاداش اخروی می‌شود، و انگیزه‌های نفسانی و مادی و دنیایی بر اساس خوی حیوانی و با استفاده از فطریات انسانی در حد اشباع نفسانیات، منجر به عمل می‌شود، و در پی این عمل اگر صالح باشد پاداش دنیوی حاصل می‌گردد.

۲. علی‌رغم این که بحث تشویق و تنبیه در حوزه مبحث انگیزش از جایگاه برخوردار است، از بررسی متون مربوطه خودداری شد، چون در این زمینه قبلاً تحقیق صورت گرفته است.

۳. در این مقاله از بررسی منابع قابل دسترسی، تنها بیست منبع پیرامون انگیزش

مطلب داشتند. بعضی از این منابع، پیرامون انگیزش بحث مختصر و بعضی بحث نسبتاً مفصلی را ارائه داده‌اند. بعضی از منابع، بحث مشخصی به نام انگیزش نداشته و از مطالبی که گویای بحث مذکور بود استفاده گردیده است.

۴. در بعضی از منابع، مبحث انگیزش همراه با متون غربی تدوین گردیده و در واقع بیشتر به صورت تطبیقی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که این می‌تواند در فهم موضوع کمک بیشتری نماید.

۵. در پایان شرح خلاصه‌ای از هر کتاب، نقدی از آن کتاب در حوزه انگیزش ارائه شده است، که لازم است در تدوین منابع جدید تجدید نظر شود.

۶. در قسمت «تشریح انگیزش از منظر اسلام»، از مدل استفاده شده است، چرا که مدل نشانگر شمای کلی مبحث، و شامل عناصر و ارتباط بین آنها می‌باشد. این اقدام در تدوین جامع مبحث انگیزش و کاهش نواقص کمک می‌نماید.

۷. در منابع معرفی شده چندان از مدل و نگاره استفاده نشده است که لازم است نویسندگان در تدوین مباحث، از طراحی مدل نهایت استفاده را ببرند تا بحث آنها از جامعیت بیشتری برخوردار باشد.

۸. با مطالعه قسمت «تشریح انگیزش از منظر اسلام» و با نگاهی به مبحث انگیزش در متون غربی که تا حدی در منابع مذکور بیان شده است، می‌توان برتری‌ها و جامعیت مبحث انگیزش در اسلام را بر مبحث انگیزش در متون غربی را ملاحظه نمود. به طور کلی می‌توان با نظر به وجود انگیزه‌های الهی و آخرت‌گرایی، اثرگذاری عمیق و دیرپای انگیزش را تصدیق نمود، چون هر رفتاری که رنگ الهی بپذیرد، ریشه دار و پر مایه می‌گردد.

۹. آنچه که وجه ممیز مبحث انگیزش اسلامی می‌باشد، زیر ساخت آن است.

زیرساخت انگیزه‌شناسی در اسلام، انسان‌شناسی است. نگاه حقیقی به انسان که حاکی از فطرت الهی وی می‌باشد، زمینه ساز بروز انگیزه‌های الهی می‌باشد.

۱۰. به لحاظ نقش کلیدی انگیزش در رفتار سازمانی، لازم است پیرامون انگیزش، مطالعه بیشتری انجام شود و مباحث تکمیل و تدقیق گردد. باید سعی شود مباحث تئوریزه شود و با محتوای غنیتری، مفهوم سازی گردد.

۱۱. باید مبحث انگیزش همچون دیگر مباحث مدیریت اسلامی جهت اجرا در عمل، طرح ریزی و مستندسازی شود تا امکان تبدیل آن از ذهنیت به عینیت فراهم شود.

منابع

- از مجموعه آثاری که پیرامون مدیریت اسلامی، به صورت کتاب و مقاله به نگارش در آمده است و در دسترس قرار گرفت، بیست منبع در مورد انگیزش بحث و بررسی دارد. این منابع به شرح زیر می‌باشد:
- اختری، عباس علی (۱۳۶۹). *مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام*. سازمان تبلیغات اسلامی.
- افجهای، سید علی اکبر (۱۳۶۴). *مدیریت اسلامی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- انصاری، محمدعلی؛ دعایی، حبیب الله، مرتضوی، سید سعید (۱۳۷۸). *مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن*. مشهد: انتشارات محقق.
- اورعی یزدانی، بدرالدین (۱۳۷۲). *بررسی مقایسه‌ای انگیزش در فرهنگ غربی و فرهنگ اسلامی*. فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۲۳، ص ۱۴-۵.
- پیروز، علی آقا؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفیعی، عباس؛ بهشتی نژاد، سید محمود (۱۳۸۴). *مدیریت در اسلام*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- تقوی دامغانی، سید رضا (۱۳۷۹). *نگرشی بر مدیریت اسلامی*. قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- جاسبی، عبدالله (۱۳۸۰). *مباحثی از مدیریت اسلامی*. ج دوم. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۲). *یک بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش برای فعالیت‌های مدیریت در جامعه اسلامی و نقد نظریه انگیزش در دوران معاصر*. مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت

- اسلامی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- خدمتی، ابوطالب؛ پیروز، علی آقا؛ شفیعی، عباس (۱۳۸۱). مدیریت علوی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه. سردمدی، محمدرضا (۱۳۷۵). مدیریت اسلامی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- سیدی، سیدحسین (۱۳۸۰). مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی(ع). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صباغیان، علی (۱۳۸۱). بررسی کارآیی و اثربخشی با تکیه بر عوامل انگیزش از دیدگاه اسلام. فصلنامه بصیرت، شماره‌های ۲۸ و ۲۹، ص ۷۷-۹۳.
- فؤاد عبدالله العمر (۱۳۷۲). انگیزش از دیدگاه اسلام و نقد نظریات انگیزش معاصر با استفاده از یک مدل انگیزش که در سازمان مورد استفاده است. مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت اسلامی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- کاظمی، علی (۱۳۸۱). مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن. تهران: نشر نیل آب.
- گروهی از محققان (۱۳۶۹). نقد و بررسی تئوری‌های مهم انگیزش و رفتار (جزوه منتشر نشده و حاصله از اولین سمینار مدیریت). قم: مؤسسه راه حق.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. تهران (قم): انتشارات دارالفکر.
- ماحوزی، مهدی (۱۳۶۳). علی(ع) و آیین رهبری. تهران: انتشارات بیک دانش.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸). مدیریت و فرماندهی در اسلام. قم: انتشارات هدف.
- نبوی، محمد حسن (۱۳۷۲). مدیریت اسلامی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نقی پورفر، ولی الله (۱۳۷۶). اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علمی